

ویژگی‌های زمینه‌های دختران و زنان گریزان از خانه، تحت پوشش مراکز بازپروری سازمان بهزیستی استان تهران

دکتر سید محمود میرزمانی^۱، روح انگیز کاووسی^۲، دکتر محمدعلی بشارت^۳

چکیده

به منظور اطلاع از زمینه‌های مرتبط با فرار دختران از خانه، ۷۵ نفر از دختران و زنان گریزان از خانه مورد بررسی قرار گرفتند. تمامی این افراد در مراکز دولتی و تحت حمایت‌های دولت قرار داشتند. نتایج مصاحبه با این افراد نشان داد که: مشکلات خانوادگی از جمله درگیری‌ها و تنش‌های موجود در خانواده، طلاق والدین، نداشتن سرپرست یا بد سرپرستی، پرجمعیت بودن خانواده، مهاجرت از شهرستانها به تهران، عدم آگاهی و بی‌بهره بودن از ضریب هوشی بالا باعث انتخاب فرار از خانه به عنوان راه‌حل مشکلات آنها بوده است. متأسفانه سن اولین فرار در دختران به ۱۲ سال کاهش یافته است. بیشترین میزان فرارها بین ۱۶ تا ۱۹ سالگی به وقوع می‌پیوندد.

Abstract:

For the purpose of acquaintance with the backgrounds of run – away girls from home, a study has been carried out on 75 run away women and girls. All these interviewees were staying at state – owned centers and they were protected by the government. The results of the interview with these women and girls have shown that : Family problems including involvements and current tension in the family, parents divorce, not having a good guardian or having a bad guardian, over population of the family, immigration from provinces to the capital (Tehran), low I.Q and not having enough knowledge are the cause for choosing escape from home

^۱ PhD روانشناس بالینی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه ... (عج) آدرس مکاتبه: تهران- میدان ونک خیابان ملاصدرا بیمارستان بقیه ... (عج). دکتر سید محمود میرزمانی

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی کارشناس آسیب اجتماعی بهزیستی استان تهران

^۳ PhD روانشناس بالینی، استادیار دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

as the only solution for their problems. Unfortunately, the age of run away girls has reduced to 12 years of age. The run away incidents mostly occurred in 16 to 19 years of age.

مقدمه

چهره امروز شهرهای بزرگ کشورمان گرچه ظاهراً گویای تغییرات چشمگیر به سمت آبادانی، افزایش تسهیلات شهروندی، گسترده‌گی زیباسازی فیزیکی و توسعه شهری و خدمات مربوط به آن است، ولی از سوی دیگر نیز تراکم فزاینده جمعیت، وسائط نقلیه و آلودگی صوتی و هوا، نشانه مهاجرت و هجوم بی‌رویه از نقاط کم جمعیت شهری و روستایی به این شهرهاست، و اینها همه نشانه‌هایی از آغاز معضلات غیرقابل تحمل آنها است.

مسئله فرار زنان و دختران همراه با سایر معضلات و آسیب‌های اجتماعی در سالهای اخیر با رشد شهرهای بزرگ بالاخص شهر تهران مورد توجه کارشناسان، متخصصان علوم انسانی و مسئولین مملکتی قرار گرفته است.

پژوهشگران این پروژه تحقیقاتی، به دلیل ارتباط شغلی خود با موضوع فرار نوجوانان و ارتباط با مراکز دختران فراری تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران و مشاهده عینی و پیگیری پی‌آمدهای خانوادگی، اجتماعی و فردی که گریبانگیر این گروه می‌باشد، بر آن شدند که به بررسی علل فرار در دختران این مراکز بپردازند.

پژوهش فعلی به بررسی ویژگی‌های افراد ساکن در مراکز حمایتی و بازپروری زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی و در معرض آسیب اجتماعی بهزیستی استان تهران پرداخته است.

مراکز نگهداری دختران و زنان فراری

مرکز امیدوار: این مرکز با قدمت هجده ساله خود محل نگهداری زنان و دختران ویژه فراری است. فعالیت این مرکز از ابتدای تأسیس تا نیمه سال ۷۸، نگهداری شبانه روزی، تأمین غذا، لباس و بهداشت، ترخیص به خانواده، کاریابی و فراهم نمودن زمینه تحصیل مددجویان، انجام گردشهای جمعی، فعالیت‌های ورزشی و تشکیل کلاسهای هنری، مذهبی بوده است. این مرکز از تاریخ ۱۳۷۸/۵/۱ لغایت ۱۳۸۰/۶/۱۰ به مرکز پذیرش و قرنطینه تغییر کاربری داده و

مجددا نیز از تاریخ ۸۰/۷/۱۰ به مرکز نگهداری تبدیل گردید.

مرکز ارشاد: این مرکز با قدمت حدودا چهارده ساله محل نگهداری زنانی است که دارای فرزند و یا در شرف بچه‌دار شدن هستند. این مرکز مشمول طرح بازپروری متمرکز است، که کار نگهداری طولانی مدت را انجام می‌دهد. مرکز ارشاد در زمینه نگهداری، ازدواج، کاریابی، ترخیص به خانواده، انتقال به سایر مراکز، آموزش حرفه‌ای، امور تحصیلی، مصاحبه روانشناختی و مددکاری، بازدید منزل فعالیت می‌نماید.

مرکز آصف: این مرکز در سال ۱۳۷۶ به منظور تقویت فعالیت مراکز بازپروری بهزیستی استان تهران و نیز به منظور تفکیک هر چه بیشتر مددجویان کم سابقه‌تر از مددجویان حرفه‌ای ایجاد گردید و امکان تحصیل، کاریابی، ازدواج و غیره را برای مددجویانی که مساعدت بیشتری نشان می‌دهند، فراهم می‌سازد.

کل آمار پذیرش مددجویان در مرکز آصف از ابتدای تأسیس یعنی تیر ماه ۱۳۷۶ تا پایان سال ۱۳۷۹ صدویست و چهار نفر بوده است. سن مددجویان مرکز آصف ۱۵-۲۵ سال است. میانگین معدل تحصیلی آنان شانزده است. مؤسسات تولیدی، آرایشگاهها برخی ادارات دولتی محل کاریابی این افراد است. سطوح تحصیلی آنان مقاطع راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی است.

سایر فعالیت‌های این مرکز دایر نمودن کلاسهای گلسازی، یوگا، شنا، بدنسازی، ژیمناستیک، کاردستی، شمع‌سازی، خطاطی، طراحی و نقاشی و کلاس کامپیوتر است.

خانه ریحانه: خانه ریحانه در سال ۱۳۷۸ جهت تقویت همکاری بین بخشی و مشارکت سایر ارگانها (در امر نگهداری دختران فراری) با سازمان بهزیستی ایجاد گردید و فعالیتی همانند سایر مراکز بازپروری بهزیستی دارد. نگهداری، تحویل به خانواده، تحویل به بهزیستی و سایر ادارات از فعالیت‌های خانه ریحانه می‌باشد.

این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که ویژگی‌های دختران فراری از خانه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تاریخچه و پیشینه پژوهش

ریلی در سال ۱۹۷۸ تحقیقی در بوستون انجام داد (Reilly, 1978). این تحقیق بر روی ۵۰ دختر فراری انجام شد. این پنجاه دختر که توسط پلیس دستگیر شده بودند از طریق مصاحبه روانپزشکی مورد مطالعه قرار گرفتند. هدف تحقیق بررسی علل فرار بود. در این تحقیق علاوه بر دختران با والدین آنان نیز مصاحبه شد. این مطالعه نشان داد که آثاری از جنون و عقب‌ماندگی ذهنی در این دخترها وجود ندارد. در بررسی علل، عامل مشترک مسائل جنسی در همه آنها دیده شد. آشفتگی‌های خانوادگی، مسائل فرهنگی و منطقه‌ای نیز مشاهده شد. این دختران نوعی همسانی در رفتار خود با یکدیگر نشان می‌دادند. در تمامی موارد لزوم خانواده‌درمانی احساس می‌گردید (Reilly, 1978).

بیلز تحقیقی توصیفی در مورد ۱۲۰ دختر نوجوان نیازمند به حمایت که موقتاً از حیطة مراقبت والدین خارج شده بودند انجام داد. این تحقیق توصیفی سؤالات زیادی را در مورد استراتژی مراقبت‌های دوران نوجوانی برانگیخت. دختران مورد نظر غالباً قربانی طرد والدین، سوءاستفاده و محرومیت بوده‌اند.

در ایران در سال ۱۳۷۴ صوفی تحقیقی بر روی دختران ۱۶-۲۹ ساله مراکز بازپروری تهران انجام داد. نتایج نشان داد این دختران از سطح سلامت روانی بالایی برخوردار نبودند (صوفی، ۱۳۷۴).

همچنین تحقیقی با عنوان "علل بزهکاری نوجوان" توسط انجمن اولیاء و مربیان در سال ۱۳۶۵ انجام شده است. ۵۰٪ از جامعه آماری در این تحقیق سابقه فرار از خانه داشته‌اند، ۵۶٪ از آنان پدرانی با مشاغل آزاد داشتند (روح ا...، زاده صومعه سرایی، ۱۳۷۹). نتایج این تحقیق نشان داد که فرار از خانه با بزهکاری ارتباط دارد، همچنین نشان داد که والدین با مشاغل آزاد به علت نداشتن فرصت کافی جهت کنترل، ایجاد ارتباط و سرکشی به مدرسه، فرزندانشان بیشتر به فرار از خانه و بزهکاری روی می‌آورند.

در پژوهشی تحت عنوان "علل انحرافات اخلاقی و فرار نوجوانان دختر" که توسط انجمن اولیاء و مربیان، در سال ۱۳۶۵، در کانون اصلاح و تربیت انجام شد محققین نتیجه گرفتند که: متوسط سن فرار ۱۶ سال بوده، و مهمترین عامل فرار دختران اختلافات شدید خانوادگی و

عاشق شدن دختران بوده است. اکثر دختران چندین بار سابقه فرار داشته‌اند. تغییر شرایط خانواده و وسوسه دوستان پس از عدم پذیرش از سوی خانواده و بروز مشکلات جدید از دیگر عوامل اقدام به فرار دختران بوده است. اغلب دختران هنگام فرار همراه داشته‌اند (کسی همراه آنها بوده است). اکثراً تمایلی برای بازگشت به خانه نداشته‌اند (انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۵).

نتایج تحقیق دیگری توسط فهیمه مظلومی که در سال ۱۳۷۳ تحت عنوان بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، در سمپوزیوم جایگاه تربیت، ارائه شده است حاکی از ترس، خشم، یأس، انتقام‌جویی در مقابل عوامل آشفته و به هم‌ریختگی خانواده، اعتراض به بی‌عدالتی‌ها در درون خانواده و مدرسه و بعضاً اعمالی است که از روی شیطنت و ناپختگی صورت می‌گیرد که موجب می‌شود نوجوان برای مدتی هر چند کوتاه، سایر مکان‌ها را به ماندن در خانه ترجیح دهد. بیشترین درصد شامل کسانی می‌شود که از اختلالات شدید خانوادگی، فقدان یکی از والدین به هر دلیل و آشفتگی‌های درون خانواده به عنوان عاملی در تصمیم‌گیری برای فرار یاد کرده‌اند. همچنین بیشتر این نوجوانان دارای احساس حقارت و خودپنداری منفی و احساس ناایمنی بودند (مظلومی، ۱۳۷۳).

شهره وفایی تحقیقی با عنوان بررسی علل فرار دختران از خانه در سال ۱۳۵۳ انجام داده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بسیاری از دختران فراری به دلایلی مجبور هستند با ناپدری، نامادری و یا تحت سرپرستی دیگران زندگی کنند. تحت این شرایط علاوه برستمگری و کج خلقی سرپرستان، مشکل خود دختران نیز فشارهای جسمی و روانی زیادی برای آنها ایجاد می‌کند. همچنین فقر اقتصادی و تنش‌های خانوادگی باعث فرار دختران نوجوان از خانه می‌شود. این دختران بین ۱۵-۱۲ سالگی بودند، و ۲۳٪ آنها دارای پدر و مادر بوده‌اند (وفایی، ۱۳۵۳).

تحقیق دیگری تحت عنوان بررسی علل فرار نوجوانان از خانه توسط محمد سعیدی در سال ۱۳۷۲ انجام شده است. در این پژوهش، محقق سعی کرده است تا با مقایسه پاسخ‌های دو گروه ۶۰ نفره در مقطع سنی بین ۱۲ تا ۱۸ ساله علل و عوامل فرار نوجوانان از خانه را تبیین نماید. ابزار پژوهش در این تحقیق، مصاحبه و مشاهده و پرسشنامه بوده است. یافته‌های تحقیق، نشانگر آن است که نابسامانی خانواده، سردی روابط عاطفی والدین، متارکه و طلاق،

وجود ناپدیری یا نامادری، فقر فرهنگی، بیسوادی و اعتیاد از مهمترین عوامل در تمایل به فرار در نوجوانان بوده است (سعیدی، ۱۳۷۳).

در بعضی از تحقیقات خارجی هم به علل فرار دختران اشاره شده است. برای نمونه نتایج تحقیق کاپادیا (Kapadia, 1972) در شهر بمبئی که بر روی ۳۰۰ نوجوان حاضر در کانون اصلاح و تربیت انجام شده است، نشان می‌دهد که ۴/۷۱٪ پسران و ۸/۵۷٪ دختران نوجوان فراری از خانه به دلیل بدرفتاری والدین یا سوء رفتار ناپدیری یا نامادری از خانه فرار کرده‌اند. ۳/۴۳٪ پسران و ۷/۲۶٪ دختران برای ارضاء حس کنجکاوی خویش و دیدن نقاط فریبنده شهری که در فیلم‌ها وجود داشته‌اند از خانه فرار کرده‌اند، ۶/۷۱٪ پسران و ۲/۲٪ دختران از کار در خانه گریخته‌اند. ۳٪ پسران به دلیل شکست در تحصیل و ترس از تنبیه والدین از خانه گریخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۷/۵۴٪ از پدران نوجوانان فراری بی‌سواد و یا کم‌سواد بوده‌اند. ۷/۳۱٪ تحصیلات ابتدایی داشتند و تنها درصد کمی یعنی ۱۵٪ تحصیلات بالاتر از ابتدایی داشتند و این خود، رابطه تحصیلات والدین و فرار نوجوانان را نشان می‌دهد. همین پژوهش نشان می‌دهد که درصد بالایی از این نوجوانان مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند.

استیفمن (Arlene Stiffman, 1989) در تحقیقی بر روی ۲۹۱ نوجوان فراری ۱۲ تا ۱۸ ساله در واشنگتن به این نتیجه رسید که اکثر فراریان در خانه با مشکلاتی چون اعتیاد والدین و شخصیت ضداجتماعی روبه‌رو بوده‌اند. همچنین این پژوهش نشان داد که نوجوانان فراری عموماً مقدار زیادی تجارب ناگوار در زندگی خود داشته‌اند. به علاوه این تحقیق تأیید کرده‌است که اکثر نوجوانان فراری مورد سوءاستفاده جسمی و جنسی قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌های مذکور از جوانب مختلف پدیده فرار از خانه را بررسی کرده‌اند که بعضاً با توجه به اینکه در فرهنگ‌های دیگری انجام شده است، قابل تعمیم به فرهنگ ایران نمی‌باشد. در تحقیق حاضر سعی بر این است که زمینه‌های خانوادگی و عوامل مهم مؤثر در بروز این پدیده را از سوی دختران فراری مورد بررسی قرارگیرد.

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد عوامل متعددی از جمله مشکلات اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی در فراهم کردن زمینه فرار دختران از خانه مؤثر است. منظور از ویژگی‌ها در این پژوهش مشخصات فردی از جمله هوش، سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی و وضعیت تأهل می‌باشد.

روش

موردهای پژوهشی: موردهای پژوهشی شامل ۷۵ نفر از زنان و دختران فراری‌اند که در مقطع زمانی جمع‌آوری اطلاعات در مراکز بازپروری سازمان بهزیستی استان تهران ساکن بودند.

ابزار پژوهش: ابزار پژوهش مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از یک پرسشنامه ساختاریافته که توسط محققین ساخته شده است. این پرسشنامه حاوی صدویست سؤال شامل اطلاعات فردی، خانوادگی و اجتماعی است که به صورت مصاحبه انجام شده است. ضمناً به نتایج تست‌های روانشناختی انجام شده و پرونده آزمودنی‌ها نیز مراجعه و از اطلاعات آنها نیز بهره‌برداری شد.

نحوه اجرا

هدف از انجام این پژوهش بررسی ویژگی‌های دخترانی است که به دلایل مختلف خانه و خانواده را ترک کرده و در مراکز وابسته به دولت زندگی می‌کنند. به این منظور ابتدا کل افراد حاضر در مراکز وابسته به سازمان بهزیستی استان تهران (مراکز امیدوار، ارشاد و آصف) به همکاری با این پروژه دعوت شدند. در مجموع هفتاد و پنج نفر با این پروژه همکاری نمودند. پنج نفر نیز راضی به مصاحبه نشدند و تعداد شش نفر اطلاعات مشکوک ارائه دادند.

روش انجام آزمون به صورت مصاحبه بود. قبل از انجام مصاحبه به آزمودنی‌ها توضیح داده می‌شد که با محقق در اجرای یک طرح پژوهشی همکاری می‌کنند. سؤالات به ترتیب برای آزمودنی‌ها خوانده می‌شد. آزمودنی‌ها کل افراد موجود در مرکز و تمامی ورودی‌های جدید بودند. مصاحبه توسط همکار پروژه که مؤنث و از افراد با تجربه در این رابطه بودند انجام

شده است.

پس از تدوین پرسشنامه و تأیید آن توسط سه نفر از متخصصین روانشناسی، ابتدا ده آزمودنی جهت اجرای Pilot Study مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این مرحله مصاحبه و روش اجرا مورد ارزیابی قرار گرفت و پس از رفع معایب کار ادامه یافت.

نتایج

موارد زیر از ویژگی‌های برجسته این دختران بودند:

میانگین سن آنها ۲۰/۷ سال ($SD = ۶/۵$) بوده و سن اولین فرار آنها از خانه بین ۱۲ تا ۳۰ سال بوده است. میانگین اولین سن فرار در این گروه از آزمودنی‌ها ۱۶/۷ سالگی بود. جدول یک برخی از ویژگی‌های سنی آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد.

جدول یک - مشخصات سنی موردهای پژوهشی به سالت فرسختی

پرتال جامع علوم انسانی

سن آزمودنی‌ها

میانگین

انحراف معیار

دامنه سن

سن آزمودنی‌ها در زمان مصاحبه

۷/۲۰

۵/۶

۵/۱۲

۵۰

سن آنها در زمان پذیرش در مرکز

۴/۲۰

۴/۶

۵/۱۲

۴/۹

سن آنها در اولین فرار از خانه

۰۷/۱۶

۱۷/۳

۱۲

۳۰

لازم به ذکر است که ۳۴ نفر از آزمودنی‌ها (۴۵/۳) بین ۱۶ تا ۱۹ ساله بودند.

والدین آنان معمولاً "از سطح تحصیلات پائینی برخوردار بود. بطور متوسط تحصیلات پدر آنها در حد راهنمایی و مادر آنها در حد ابتدایی بود.

این دختران معمولاً "از خانواده‌های پرجمعیت بودند. بطور متوسط تعداد خواهران و برادران آنان بین ۳ تا ۴ نفر بوده و بطور متوسط منزل آنان دارای ۳ اتاق خواب بوده است.

تعداد زیادی از این دختران از نعمت والدین (هر ۲ یا حداقل یکی از آنان) محروم بودند. میانگین سن محرومیت از پدر یا مادر ۱۲ سال بوده است.

میانگین ضریب هوشی این دختران حدود ۸۸ بود.

۱۴ نفر (۱۸/۷٪) از آنها با پدر خود و ۷ نفر (۹/۳٪) از آنها با برادر خود درگیری داشتند.

۶۳ نفر (۸۴٪) از آنها هرگز از مراکز نگهداری فرار نکرده‌اند.

۳۵ نفر (۵۰٪) از آنها از شهرستانها به تهران مهاجرت کرده‌اند (و البته بسیاری از آنها در مورد اینکه آیا به تهران مهاجرت کرده‌اند یا نه هیچگونه اطلاعاتی نداده‌اند). ۲۰ نفر از همین تعداد مهاجر به تهران بدون خانواده به تهران مهاجرت کرده‌اند. به عبارت دیگر تهران پذیرای دختران فراری از شهرستانها نیز می‌باشد.

۱۷ نفر (۲۲/۷٪) از دختران فراری اظهار نموده‌اند والدینشان به دلایل مختلف از هم جدا شده‌اند. ۱۶ نفر (۲۵٪) از آنها می‌گویند والدینشان با هم زندگی می‌کنند اظهار نموده‌اند والدین آنها با هم رابطه بدی دارند.

بحث

از نتایج بدست آمده می‌توان این طور برداشت کرد که متأسفانه سن دختران مورد بررسی در

اولین فرار بسیار پائین است و در حد ۱۵ سال بوده است. این موضوع می‌تواند زنگ خطری برای مسئولین و خانواده‌های ایرانی باشد. جا دارد مشکلات دختران در این سنین مورد توجه ویژه قرار گیرد. جالب توجه آنکه معمولا این دختران از خانواده‌های پرجمعیت بوده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد امکانات خانوادگی از جمله وسعت و فضای کافی در خانواده مهیا بوده است ولی پر جمعیت بودن خانواده علی‌الظاهر نقش مهمی در آشفتگی خانواده و در نهایت فرار دختران از خانه داشته است. البته به نظر می‌رسد پائین بودن سطح تحصیلات والدین، محرومیت از نعمت یکی از والدین (و گاهی هر دو) از عواملی است که در این دختران فراوان است. احتمالا هوش در خودداری این دختران در فرار از خانه می‌توانست مؤثر باشد. میانگین هوشی این دختران حدود ۸۸ بوده است شاید اگر اینها از هوشی بالاتری برخوردار بودند کمتر مرتکب فرار از خانه می‌شوند زیرا افراد باهوش معمولا راههای بهتری را برای مواجهه با مشکلات خود پیدا می‌کنند.

بدیهی است که درگیری‌ها و مشکلات درون خانواده می‌تواند در فرار آنها از خانه مؤثر باشد. با نگاهی به نتایج بدست آمده می‌توان مشاهده کرد که بطور میانگین این دختران بیش از ۳ خواهر و برادر داشته‌اند. حدود ۳۰٪ آنها با پدر یا برادر خود درگیر بوده‌اند. ۲۲٪ از این دختران فرزندان طلاق هستند و تنها ۲۵٪ از این دختران اظهار داشته‌اند که والدین آنها با هم زندگی می‌کنند و والدین بقیه آنها به گونه‌ای از هم جدا زندگی می‌کنند هر چند طلاق نگرفته باشند. بهر حال مجموعه این موارد در دخترانی دیده می‌شود که ۸۴٪ از آنها پس از سکونت در مراکز بازپروری هرگز از آنجا فرار نکرده‌اند.

در مجموع به نظر می‌رسد باید تلاش نمود تا محیط خانواده و اجتماع به گونه‌ای بشود که دختران از نظر روانی فرار از خانواده را بعنوان راه‌حل برای رفع مشکلات خود انتخاب نکنند.

پیشنهادهات:

پیشنهادهات موردنظر در دو بخش تقدیم می‌گردد امید است مورد توجه قرار گیرد.

الف - پیشگیری: به منظوری پیشگیری از فرار دختران از خانه پیشنهاد می‌شود:

۱- آموزشهای لازم سریعا برای والدین مهیا شود تا بدانند چگونه با دختران جوان خود

برخورد کنند و از نظر عاطفی آنها را مورد حمایت قرار دهند.

۲- دختران در مدارس و آموزشگاهها آموزش ببینند تا بتوانند مشکلات خود را بطور معقول حل کنند.

۳- سازمانهای غیردولتی در جهت حمایت و راهنمایی این دختران سریعاً تشکیل و تقویت شوند.

۴- ضوابط و قوانینی در دستگاههای دولتی از جمله بهزیستی، آموزش و پرورش و دادگاهها حاکم شود تا با والدین و اعضاء متخلف خانواده به گونه‌ای برخورد شود تا کمتر موجبات فرار دختران از خانه فراهم شود..

۵- امکانات رفاهی، ورزشی و تفریحی مناسب برای این افراد فراهم شود

ب - حمایت‌های پس از فرار:

۱- در صورتیکه دختری تصمیم به فرار گرفت باید مراکزی جهت راهنمایی، نگهداری و حمایت‌های لازم جهت این افراد مهیا باشد، تا فرار آنها موجب آسیب‌های بعدی آنها نشود.

۲- با کسانی که به حریم این دختران تجاوز کنند یا کسانی که از این دختران سوءاستفاده کنند به شدت برخورد شود.

۳- دستگاهی مسئولیت بازگشت این دختران به خانواده را به عهده بگیرد و سعی شود زمینه بازگشت آنها فراهم شود

منابع

- انجمن اولیاء و مربیان (۱۳۶۵). علل انحرافات اخلاقی و فرار نوجوانان دختر. کانون اصلاح و تربیت. تهران.
- آئین‌نامه اجرایی مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی (ویژه) مربوط به طرح ایجاد مرکز حمایت بازپروری زنان.
- روح ... زاد صومعه سراپی، طاهره (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌های فرار دختران از خانه و ویژگی‌های فردی، اجتماعی دختران. دانشگاه علامه طباطبایی (دانشکده علوم اجتماعی).
- سعیدی، محمد (۱۳۷۳). بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- صوفی، جمیله (۱۳۷۴). بررسی نیمرخ روانی دختران بی سرپرست در مراکز بازپروری بهزیستی استان تهران و دختران تحت سرپرستی والدین خود با تست MMPI دانشگاه آزاد اسلامی.
- علمی، شکوه السادات (۱۳۶۱). بررسی عوامل بزهکاری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران. گزارش فعالیت خانه ریحانه از بدو تأسیس ۷۸/۷/۲۵ لغایت ۷۹/۹/۳۰ به بهزیستی استان تهران (۱۳۷۹).
- مظلومی، فهیمه (۱۳۷۳). بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. گزارش سمپوزیوم جایگاه تربیت. تهران.
- وفایی، شهره (۱۳۵۳). بررسی علل فرار دختران از خانه. پایان‌نامه کارشناسی. دانشکده عالی خدمات اجتماعی.

References:

- Byles, J. A. (1980). Adolescent girls in need of protection. *Am. J. Orthopsychiatry*, 50 (2); 264-278.
- Kapadia, R. (1972). *Runaway of yought*. Social University of Bambay. India.
- Reilly, P. D. (1978). What make adolescent girls free from their homes? *Clin Peditar Phila*, 17(12); 886-893.
- Stiffman, Arlene R. (1989). Physical and sexual abuse in runaway youghts (12-18 years). *Child Abuse and Neglect*, 13 (3). 112-119.

Summary